

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۱۱۳-۱۳۲

عوامل مؤثر بر نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در شکل‌های تولیدی - صنفی با تأکید بر سطح مشارکت آنها: مطالعه موردی دهستان سگزآباد استان قزوین پیمان فلسفی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۳

چکیده

نهادینه شدن مشارکت در میان کشاورزان از مفاهیم بسیار مهم در توسعه روستایی است. هدف اصلی پژوهش حاضر تعریف و سنجش این مفهوم و بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن است؛ و از میان عوامل مختلف، ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و اقتصادی در کانون توجه قرار دارد. همچنین، سطح مشارکت کشاورزان شامل مشاوره، مشارکت در مسائل اجرایی، ارزشیابی، مالی و بهره‌مندی از منافع مشارکت تعریف و سنجیده شده، تأثیر آن بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. جامعه آماری پژوهش (که طی دوره ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ انجام شده) ۱۴۵۰ تن از ساکنان دهستان سگزآباد و حجم نمونه برابر با ۱۳۸ نفر از سرپرستان خانوار است. نتایج نشان می‌دهد که اندازه خانوار با متغیر نهادینه شدن مشارکت همبستگی مثبت و معنی‌دار دارد؛ و مشارکت کشاورزان در اجرا، ارزشیابی و مسائل مالی و بهره‌مندی آنها از منافع پروژه هم با نهادینه شدن مشارکت در میان کشاورزان رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار دارد.

* عضو هیئت علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی (p.falsafi@areo.ir).

کلیدواژه‌ها: مشارکت کشاورزان / تشکل‌های تولیدی - صنفی / سگزآباد (دهستان) / بوبین زهرا (شهرستان).

مقدمه

توسعه روستایی مؤلفه‌ای کلیدی و راهبردی برای تواناسازی گروهی خاص از مردم اعم از زنان و مردان فقیر روستاست. با چنین تفسیری از توسعه روستایی، نمی‌توان توسعه کشاورزی را از آن تفکیک کرد؛ زیرا به باور برخی صاحب‌نظران، توسعه کشاورزی پایدار بر گسترش عدالت و ایجاد اجتماعات پایدار روستایی متکی است. به همین دلیل، سیاست‌های روستایی با سیاست‌های کشاورزی تفاوتی ندارد و توسعه پایدار یکپارچه در این بخش‌ها از طریق راهبردی واحد ضروری است، راهبردی که دربرگیرنده امنیت غذایی و توسعه به صورت توأمان باشد. بر این اساس، در یک مدل تلفیقی توسعه روستایی و کشاورزی، باید «رهیافت توسعه جامعه»^(۱) ابتدا و انتهای این فرایند باشد و کل فرایند توسعه زمین و منابع انسانی، از یک سو، از طریق نهادهایی مانند تعاونی‌ها و شوراهای اسلامی روستایی تقویت و مدیریت شود و از سوی دیگر، به‌طور همزمان، خدمات اجتماعی مانند آموزش، بهداشت و کنترل جمعیت نیز ارتقا یابد. بر این اساس، موضوع پژوهش حاضر مبنی بر تحلیل نهادینه شدن مشارکت کشاورزان عبارت است از فرایند پایداری مشارکت در یک چارچوب منظم در جامعه پس از طی مراحل مختلف انگیزش فردی، اجتماعی شدن، انگیزش اجتماعی، و مشارکت پایدار جامعه از طریق نهادها. بدیهی است که این پایداری به معنی حیات و بقای درازمدت پروژه‌های توسعه است و نه به مفهوم عمومی‌تر آن در زمینه حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی.

مرور ادبیات

توسعه روستایی پایدار در کنار توسعه کشاورزی پایدار (Park and Seaton, 1996; Fernands, 1992 به نقل از: Castillo, 1994) و با تغییر در ساختارهای نهادی، فنی و زیربنایی با محوریت مشارکت مردمی و توسعه

انسانی (Mehta, 1984) امکان‌پذیر خواهد بود. بدون شک، باید این راهبرد بر پایه وجود نهادهای پشتیبان و اقدامات مشارکت‌جویانه برای افزایش تولید در سایه راهبرد عدالت اجتماعی در یک پیوستار و ساختار مناسب زیست‌محیطی با محوریت حضور همه‌جانبه مردم در عرصه‌های تولیدی در روستا به اجرا درآید (کرمی، ۱۳۷۶). به‌طورکلی، مشارکت از نظر برخی نویسندگان به معنی درگیر شدن^(۲) است (Santhanam et al., 1984; Reddy, 1987)؛ برخی دیگر نیز آن را به معنی شرکت مردم یا دخالت آنها در فرایند تصمیم‌سازی، اجرای برنامه‌ها، تسهیم منافع توسعه و یا تلاش برای ارزشیابی این برنامه‌ها به صورت داوطلبانه و از روی میل و علاقه شخصی می‌دانند (Santhanam et al., 1987 به نقل از: Cohen and Uphoff, 1977).

به عقیده گل‌محمدی و شهبازی (۱۳۷۸)، مشارکت فرایندی چندبعدی است که در پاسخ‌گویی به شرایط ویژه در نقاط مختلف، اشکال متفاوت به خود می‌گیرد و هیچ روش خاصی برای نظارت بر آن وجود ندارد. همچنین، فائو مشارکت را فرایندی اجتماعی، فنی و نهادی می‌داند که از طریق دخالت کامل جوامع در توسعه خود و ایفای نقش فعال در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های خاص توسعه‌ای به وقوع می‌پیوندد (FAO, 1997).

بدین ترتیب، به‌رغم آنکه امروزه مشارکت فردی به بخشی از ادبیات رایج سازمان‌های توسعه دولتی و غیردولتی مبدل شده است (Adnan et al., 1992) و Behatengar and Williams, 1992 به نقل از: Pretty, 1995)، اما تردیدی نیست که برای مشارکت، طبقه‌بندی‌هایی گوناگون نیز وجود دارد. برخی از نویسندگان کمک مالی، ارائه نیروی کار و کمک فکری در برانگیختن منابع را انواع مشارکت می‌دانند (Santhanam et al., 1987).

گروهی دیگر از محققان مانند خوزه (Jose, 1994)، دیل (Dale, 2000)، و فلسفی (۱۳۸۳، به نقل از: Sing, 2002)، مجموعه‌ای از تفسیرهایی گسترده از مشارکت در فرایند توسعه را به کار گرفته‌اند، که از آن جمله است:

الف- مشارکت در همکاری^(۳) (پایین‌ترین سطح مشارکت)؛

ب- مشارکت در سازمان‌دهی^(۴) (بهره‌برداران ماهیت و ساختار سازمان را تعیین می‌کنند)؛

ج- مشارکت به صورت شراکت^(۵) (بهره‌برداران با یکدیگر سازمان‌های خود مانند تعاونی‌های کشاورزان و کمیته‌های آبیاری را تشکیل می‌دهند)؛

د- مشارکت در قالب توانمندسازی^(۶) (فرایند قادر ساختن بهره‌برداران به تصمیم‌گیری برای عمل به آنچه برای توسعه خود ضروری می‌دانند)؛ و

ه- مشارکت برای ظرفیت‌سازی (در راستای خودهمیاری و خوداتکایی برای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی کشاورزان).

بر اساس دسته‌بندی پرتی (Pretty, 1995)، مشارکت دارای هفت نوع (سطح) مختلف شامل مشارکت غیرفعال، مشارکت در ارائه اطلاعات، مشارکت از طریق مشورت، مشارکت با انگیزه‌های مادی، مشارکت تابعی، مشارکت تعاملی، و مشارکت خودانگیز است. این طبقه‌بندی از مشارکت غیرفعال (که به مردم تنها گفته می‌شود چه اتفاقی خواهد افتاد) گرفته تا مشارکت خودانگیز (که مردم با نهادهای بیرونی مرتبط شده، خود مستقل می‌شوند) را در بر می‌گیرد. آنچه مسلم است، جنبه‌های اساسی مشارکت اجتماعی در توسعه پایدار عبارت‌اند از: مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در برنامه‌ریزی، مشارکت در اجرای تصمیمات، مشارکت در کنترل، ارزشیابی و بازنگری، و مشارکت در سهم‌بندی منافع حاصل از اجرای طرح‌های مشارکتی (فلسفی، ۱۳۷۷). در این میان، نکته حائز اهمیت نحوه استفاده کارگزاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه در جامعه روستایی و بخش کشاورزی از مشارکت مردمی و چگونگی سازمان‌دهی آن در تحقق اهداف توسعه است. از نظر شجری (۱۳۷۸)، مشارکت کشاورزان در برنامه‌ریزی‌ها نتایج زیر را به دنبال خواهد داشت:

۱- کاهش میزان خطا در اولویت‌ها و در برنامه‌ها؛

۲- کاهش بار مسئولیت دولت؛

۳- محدودسازی انتظارات و گسترش اندیشه نوآوری؛

۴- تعهد بیشتر در اجرای تصمیم‌ها و راهبردها؛ و

۵- فراهم شدن زمینه ارتباطات بین کشاورزان و برنامه‌ریزان.

بدین ترتیب، نقش مردم در فرایندهای طراحی و برنامه‌ریزی بیش از پیش در توسعه کشاورزی مشخص می‌شود. البته نباید فراموش کرد که مشارکت پایدار کشاورزان در هر شکل و در هر سطح تنها در یک قالب نهادمند بروز و ظهور پیدا می‌کند که مهم‌ترین مؤلفه آن شاخص پایداری است (فلسفی و حسینی، ۱۳۸۴)؛ و تحقق آن نیز آشکارا در گروه پیاده‌سازی اصولی است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- تغییر راهبرد برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی از رهیافت «بالا به پایین» به رهیافت «پایین به بالا»؛

۲- هماهنگی و انسجام در مراحل مختلف طراحی، اجرا و ارزشیابی فرایند برنامه‌ریزی ترویجی؛

۳- مشارکت تمامی گروه‌های ذی‌نفع در مراحل مختلف طراحی، اجرا، ارزشیابی و تسهیم منافع؛

۴- ترغیب به ایجاد فرایندی پویا در روستا به گونه‌ای که کشاورزان امور مربوط به خود را به دست گیرند و توانمندسازی روستاییان محور تمامی برنامه‌های توسعه روستایی باشد (فلسفی، ۱۳۸۲).

بر این اساس، باید گفت که توسعه پایدار نیازمند اقدام مشارکت‌جویانه است (Warburton, 1998)؛ و فرض اولیه در مورد رهیافت مشارکتی درگیر شدن یا دخالت اکثر مردم محلی در شناسایی مشکلات محلی، تعیین راه حل‌ها و اجرای آنها برای اطمینان از تأثیر و پایداری نتایج برنامه‌هاست (Gueye, 2001). با این همه، وجود رابطه قوی بین مشارکت و توانمندسازی نیز به تأیید رسیده است. افزون بر این، مشارکت در توسعه تنها زمانی معنی کامل خود را خواهد یافت که به درون سازوکارهای زندگی اجتماعی نفوذ کرده، بر وظایف منظم آنها تأثیر بگذارد. چنین چارچوبی برای مشارکت را نهادینه شدن مشارکت می‌نامند (Caotri, 1986) به نقل از (Kolin,

اولدفورد (Oldford, 2002) نهادینه شدن را نوعی تغییر می‌داند. به عقیده او، نهادینه شدن نیازمند ایجاد شرایطی است که تغییر را پایدار سازد. بر این اساس، می‌توان گفت که پایداری از مهم‌ترین شاخص‌های فرایند نهادینه شدن مشارکت است، به گونه‌ای که برخی محققان مانند ویجایاراتنا (Wijayaratna, 1994) فرایند دستیابی به پایداری را نهادینه کردن مدیریت مشارکتی تعریف کرده‌اند. همچنین، از نظر فائو (FAO, 1997) نهادینه شدن عبارت است از فرایند پذیرش و پایداری رهیافت توسعه برنامه مشارکت مردمی در مناطق عملیاتی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر کمی و از نوع توصیفی (غیرآزمایشی) است و با توجه به تحلیل رابطه میان متغیرها براساس هدف تحقیق، از نوع همبستگی نیز به‌شمار می‌رود.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیات نه‌گانه پژوهش و بیان ریاضی رابطه یادشده در هر کدام از آنها بدین شرح است:

- ۱- بین سن کشاورزان و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفاي رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۲- بین اندازه خانوار کشاورزان و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفاي رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۳- بین مقدار زمین تحت تملک کشاورزان و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفاي رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۴- بین میزان آمادگی کشاورزان در پرداخت هزینه‌های همیاری عمرانی در روستا و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفاي رابطه معنی‌دار وجود دارد.

- ۵- بین میزان آمادگی کشاورزان در پرداخت هزینه‌های همیاری فعالیت‌های کشاورزی و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۶- بین مشارکت کشاورزان در مرحله طراحی برنامه‌های مشارکتی و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۷- بین مشارکت کشاورزان در مرحله اجرای برنامه‌های مشارکتی و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفی رابطه معنی‌دار وجود دارد.
- ۸- رابطه بین مشارکت کشاورزان در مرحله بهره‌مندی از منافع پروژه‌های مشارکتی و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفی معنی‌دار است.
- ۹- رابطه بین مشارکت کشاورزان در مرحله ارزشیابی و اصلاح برنامه‌های مشارکتی و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در تشکل‌های تولیدی-صنفی معنی‌دار است.

متغیرهای پژوهش

فهرست متغیرهای مستقل و مقیاس مربوط به هر کدام از آنها در جدول ۱ آمده است. در پژوهش حاضر، متغیر وابسته «میزان نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در تشکل‌های تولیدی-صنفی» (مشارکت نهادینه یا پایدار) است. از آنجا که شاخص‌های مورد نظر در این زمینه به تفکیک نشان‌دهنده سطوح مختلف مشارکت بوده، این مقیاس از طریق حاصل جمع جبری سی شاخص متفاوت سنجدیده شده است (جدول ۲).

جدول ۱- فهرست متغیرهای مستقل و مقیاس‌های مربوط

مقیاس	متغیر مستقل	ردیف
اسمی	جنس	۱
فاصله‌ای	سن	۲
اسمی	وضعیت تأهل	۳
فاصله‌ای	اندازه خانوار	۴
ترتیبی	وضعیت آموزشی	۵
فاصله‌ای	میزان زمین	۶
اسمی	نوع مالکیت اراضی	۷
اسمی	مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و کشاورزی روستا	۸
اسمی	عضویت در مجامع مشارکتی	۹
اسمی	موقعیت فرد در مجامع مشارکتی	۱۰
اسمی	شرکت در جلسات مجامع مشارکتی	۱۱
اسمی	ارائه نظر در جلسات مجامع مشارکتی	۱۲
اسمی	تأثیر عضویت در مجامع مشارکتی بر زندگی کشاورز	۱۳
اسمی	نوع مشارکت	۱۴
ترتیبی	میزان مشارکت در سطوح مختلف	۱۵
ترتیبی	میزان آمادگی برای همیاری در طرح‌های مشارکتی عمرانی	۱۶
ترتیبی	میزان آمادگی برای همیاری در طرح‌های مشارکتی کشاورزی	۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲- فهرست شاخص‌های مربوط به نهادینه شدن مشارکت کشاورزان*

ردیف	شاخص (زیرمتغیر)
۱	شرکت در جلسات عمومی شورای اسلامی
۲	شرکت در جلسات بنه، دانگ، ...
۳	مشارکت در انتخاب سربنه، سردانگ، ...
۴	ارائه فکر، نظر و پیشنهاد در جلسات
۵	مشارکت در حل مشکلات روستا
۶	مشارکت در بحث و گفتگو با مأموران دولتی (قدرت چانه‌زنی)
۷	تأمین هزینه‌های همیاری
۸	مشارکت به صورت نیروی کار
۹	به‌کارگیری فنون جدید معرفی شده
۱۰	اعطای زمین، ساختمان و امکانات
۱۱	بهره‌مندی از خدمات نهاده‌ای (دریافت کود، سم، بذر، پارانه)
۱۲	بهره‌مندی از خدمات اعتباری (دریافت وام)
۱۳	بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای
۱۴	بهره‌مندی از خدمات تراکتوری
۱۵	بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای و ترویجی
۱۶	بهره‌مندی از خدمات آموزشی (دوره‌های کوتاه‌مدت)
۱۷	بهره‌مندی از خدمات تحقیقاتی (انجام آزمایش‌های آب و خاک)
۱۸	بهره‌مندی از خدمات زیربنایی (اصلاح نظام آبیاری، یکپارچگی اراضی، ...)
۱۹	بهره‌مندی از خدمات بازاریابی
۲۰	خرید تضمینی محصولات کشاورزی از سوی دولت
۲۱	افزایش درآمد خانوار
۲۲	افزایش تولید خانوار
۲۳	بهبود شرایط زندگی در جامعه
۲۴	نوین‌سازی کشاورزی و دامپروری
۲۵	بحث درباره نتیجه فعالیت‌های مشارکتی با مأموران دولتی
۲۶	بحث درباره فعالیت‌های مشارکتی با سربنه‌ها
۲۷	بحث درباره نتایج فعالیت‌های مشارکتی با معتمدان
۲۸	بحث درباره نتایج فعالیت‌های مشارکتی با اعضای شورا
۲۹	بحث درباره نتایج فعالیت‌های مشارکتی با سایر کشاورزان
۳۰	بحث درباره نتایج فعالیت‌های مشارکتی با اعضای خانواده

* مقیاس متغیر در تمامی شاخص‌ها ترتیبی است.
منبع: یافته‌های پژوهش

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل ۱۴۵۰ بهره‌بردار سرپرست خانوار در روستاهایی است که زیر پوشش یک مرکز خدمات کشاورزی و تعاونی تولید کشاورزی قرار گرفته‌اند؛ همچنین، نمونه‌گیری به روش احتمالی طبقه‌ای متناسب انجام شده و برای تعیین حجم نمونه کل، با توجه به کوچک بودن حجم نمونه در مقابل حجم جامعه آماری ($n=1450$)، معادله زیر به کار رفته است:

$$n = \frac{(t \cdot s)^2}{d^2}$$

که در آن:

n = حجم نمونه کل

t = مقدار t استیودنت با ۹۵ درصد اطمینان با ۱/۹۶

s = انحراف معیار سی پرسشنامه بر حسب متغیر اندازه خانوار، که در مرحله پیش-آزمون به دست آمده و برابر با ۲/۱۸ است.

d = دقت احتمالی مطلوب، که برابر با ۰/۷۸۵ محاسبه شده است. با توجه به انحراف معیار صفت‌های متغیر مورد مطالعه و واریانس صفت مورد نظر، با نظر استاد راهنمای پژوهش حاضر، میزان ۰/۷۸۵ خطای مورد نظر به کمتر از نصف یعنی ۰/۳۶۵ تقلیل داده شده است؛ در نتیجه، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۱۳۸ محاسبه شد که پس از تعیین حجم نمونه کل، انتخاب نمونه‌ها در روستاهای پنج‌گانه مورد نظر از طریق محاسبه نسبت سهم جامعه کل، به نسبت جمعیت بهره‌بردار هر روستا در جامعه کل، صورت گرفت (جدول ۳).

جدول ۳- جامعه آماری و تعداد نمونه به تفکیک روستا

ردیف	روستا	جامعه آماری	تعداد نمونه
۱	سگزآباد	۷۲۵	۶۹
۲	رودک	۳۲۶	۳۱
۳	رستم آباد	۱۵۷	۱۵
۴	یريجان	۱۳۶	۱۳
۵	حاجی عرب	۱۰۶	۱۰
۶	جمع کل	۱۴۵۰	۱۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش برای گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده که تنظیم آن با توجه به هدف کلی و اهداف اختصاصی تحقیق انجام پذیرفته است. در بخش اول پرسشنامه، ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی بهره‌برداران مورد سؤال قرار می‌گیرد، و پرسش‌های بخش دوم آن نیز به مشارکت (انواع، سطوح و نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در شکل-های تولیدی-صنفي) مربوط می‌شود.

مطالعه حاضر، با توجه به ماهیت و اهداف مورد نظر، به بررسی اعتبار محتوایی پرسشنامه پرداخته است. بدین منظور، پس از طراحی پرسشنامه در بخش‌های محتوایی مربوط و براساس اهداف و فرضیات تحقیق، پرسشنامه مقدماتی در گروه صاحب‌نظران و متخصصان ترویج کشاورزی بررسی شد و پس از ارائه نظرات آنها، اصلاحات مربوط به عمل آمد و سپس، نسبت به گردآوری اطلاعات اقدام شد.

برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز پس از تدوین آن در مرحله پیش‌آزمون، تعداد سی پرسشنامه تکمیل و از این طریق، مقدار آلفای کرونباخ استاندارد متغیر وابسته (نهادینه شدن مشارکت در شکل‌های تولیدی-صنفي) محاسبه شده که این مقدار (۰/۸۶۱۴) برای انجام تحقیق قابل قبول بوده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS استفاده می‌شود. بدیهی است که در این راستا، باید از روش‌های آماری توصیفی و تحلیلی بهره جست، که توضیح هر کدام از آنها در پی آمده است.

یافته‌ها و بحث

توصیف داده‌ها

ویژگی‌های شخصی، اجتماعی و اقتصادی نمونه‌ها

۱- سن: براساس اطلاعات به دست آمده، در میان پاسخ‌گویان، بیشترین فراوانی به رده سنی میانسال (۳۱-۵۵ سال) با ۴۵/۷ درصد و نیز رده سنی مسن (بالتر از ۵۵ سال) با ۴۴/۲ درصد و کمترین فراوانی به رده سنی جوان (۳۰ سال و پایین‌تر) با ۱۰/۱ درصد اختصاص دارد. در عین حال، میانگین سنی پاسخ‌گویان ۵۱ سال با انحراف معیار ۱۵/۸۳ و واریانس ۲۵۰/۷۱ بوده، جوان‌ترین فرد جامعه آماری ۲۰ سال و مسن‌ترین فرد ۸۲ سال سن داشته است. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که ترکیب سنی جامعه مورد مطالعه بیشتر شامل افراد میانسال و مسن است که از تجربه و اطلاعات مورد نیاز برخوردارند.

۲- *اندازه خانواده*: اندازه یا بعد خانواده از شاخص‌های مشارکت‌پذیری فرد است. در پژوهش حاضر، اندازه خانواده افراد مورد مطالعه از یک نفر تا دوازده نفر متغیر بوده، به گونه‌ای که بیشترین فراوانی به خانوارهای یک تا پنج نفره (۵۲/۲ درصد) و کمترین فراوانی به خانوارهای دارای بیش از ده عضو (۳/۶ درصد) اختصاص دارد. تفاوت زیاد بین تعداد اعضای کم جمعیت‌ترین و پرجمعیت‌ترین خانوارها به مجرد بودن برخی از پاسخ‌گویان برمی‌گردد.

۳- *میزان تحصیلات*: یکی از شاخص‌های سنجش آگاهی افراد میزان تحصیلات آنهاست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که غالب افراد مورد مطالعه (۳۸/۴ درصد) از سطح تحصیلات ابتدایی (پایه‌های اول تا پنجم دبستان) برخوردارند. بدین ترتیب، مشخص می‌شود که بیشتر پاسخ‌گویان سواد خواندن و نوشتن داشته‌اند؛ البته ۳۴/۱ درصد نیز بی‌سواد بوده‌اند.

۴- مقدار اراضی کشاورزی: از آنجا که شغل اصلی پاسخ‌گویان کشاورزی است، بیشترین فراوانی پاسخ‌گویان مربوط به کسانی است که بین ده تا پنجاه هکتار زمین زراعی و یا باغ دارند و در پژوهش حاضر، «مالکان متوسط» نامیده می‌شوند. پس از مالکان متوسط، بیشترین فراوانی مربوط به کشاورزانی است که زیر ده هکتار زمین دارند و «خرده‌مالکان» نامیده می‌شوند (۳۲/۴ درصد). اما کمترین فراوانی نیز متعلق به کشاورزانی است که بیش از پنجاه هکتار زمین دارند که در اینجا، آنها را «عمده‌مالک» نامیده‌ایم (۷/۴ درصد).

۵- میزان مشارکت پاسخ‌گویان در سطوح مختلف: اطلاعات گردآوری شده از نمونه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد که از نظر آنها، میزان مشارکت در هر کدام از سطوح چهارگانه زیر متفاوت بوده است:

سطح یک) میزان مشارکت در ارائه فکر و طرح اولیه: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در ارائه طرح و فکر اولیه فعالیت‌های مشارکتی، ۳۱/۲ درصد از پاسخ‌گویان به میزان «خیلی کم» و «کم»، ۴۲/۸ درصد «تاحدودی»، و ۲۶/۱ درصد به میزان «زیاد» و «خیلی زیاد» همکاری داشته‌اند. بدین ترتیب، مشخص می‌شود که در این زمینه، بیشتر پاسخ‌گویان بسیار محافظه‌کارانه عمل می‌کنند؛

سطح دو) مشارکت در اجرا: یکی دیگر از مراحل (سطوح) مشارکت عبارت است از همکاری مشارکت‌جویان در اجرای برنامه‌های مشارکتی. بر این اساس، ۱۶/۱ درصد از پاسخ‌گویان به میزان «خیلی کم» و «کم»، ۴۰/۹ درصد «تاحدودی»، و ۴۳/۱ درصد به میزان «زیاد» و «خیلی زیاد» در اجرای فعالیت‌های مشارکتی همکاری داشته‌اند. چنین وضعیتی بیانگر این واقعیت است که کشاورزان بیشتر به همکاری در اجرای فعالیت‌های مشارکتی علاقه دارند؛

سطح سه) بهره‌مندی از منافع مشارکت: از مهم‌ترین مراحل (سطوح) مشارکت بهره‌برداری از منافع پروژه است. مشارکت‌جویان با این امید در برنامه‌های مشارکتی شرکت می‌کنند که از منافع آن نیز بهره‌مند شوند. در این زمینه، بهره‌مندی پاسخ‌گویان از منافع مشارکت خود، به گفته ۳۴/۱ درصد از آنها «خیلی کم» و «کم»، ۳۱/۹ درصد «تاحدودی»، و ۳۳/۱ درصد «زیاد» و «خیلی زیاد» بوده

است. بدین ترتیب، با آنکه درصد بیشتری از پاسخ‌گویان از نتایج مشارکت خود راضی نیستند، اما با توجه به توزیع نسبتاً برابر پاسخ‌ها، از این نظر می‌توان کشاورزان مورد مطالعه را به سه دسته «محروم از منافع»، «تاحدودی بهره‌مند از منافع»، و «برخوردار از منافع» مشارکت تقسیم‌بندی کرد؛ و

سطح چهار) مشارکت در ارزشیابی و اصلاح فعالیت‌ها: یکی دیگر از سطوح مشارکت بهره‌برداران از پروژه‌های مشارکتی حضور و همکاری آنها در ارزشیابی پروژه‌ها و اصلاح فعالیت‌هاست. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۲۹/۹ درصد از پاسخ‌گویان در حد «خیلی کم» و «کم» به ارزشیابی فعالیت‌های مشارکتی می‌پردازند، در حالی که ۳۲/۸ درصد از آنها نسبت به نتایج فعالیت‌ها و نیز ارزشیابی و اصلاح آنها حساسیت دارند، که بیانگر دقت نظر کشاورزان در زمینه نتیجه روند انجام پروژه‌ها در محیط زندگی آنهاست.

۶- میزان آمادگی برای مشارکت مالی در اجرای پروژه‌های عمرانی در روستا: تنها ۶/۶ درصد از پاسخ‌گویان به میزان «خیلی کم» و «کم» به همکاری در این زمینه علاقه دارند؛ اما ۵۴/۷ درصد «تاحدودی» و ۳۸/۷ درصد نیز به میزان «زیاد» و «خیلی زیاد» به همکاری و همیاری مالی برای اجرای پروژه‌های عمرانی روستا تمایل نشان داده‌اند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در این زمینه نیز کشاورزان تا حد زیادی با احتیاط عمل می‌کنند. با این همه، همیاری مالی کشاورزان در دوران مختلف در اجرای برنامه‌های مشارکتی نشان می‌دهد که هر گاه کشاورزان درباره نتایج مثبت این پروژه‌ها اطمینان یابند، با علاقه‌مندی بیشتری به همیاری می‌پردازند.

۷- میزان آمادگی برای مشارکت مالی در اجرای پروژه‌های کشاورزی: ۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان به میزان «خیلی کم» و «کم» به تأمین هزینه‌های کشاورزی علاقه دارند؛ همچنین، بیشتر پاسخ‌گویان (۵۱/۸ درصد) «تاحدودی» و ۴۰/۱ درصد از آنها نیز به میزان «زیاد» و «خیلی زیاد» به همکاری در تأمین هزینه‌های طرح‌های کشاورزی در روستای خود علاقه‌مند بوده‌اند، که نشان می‌دهد معمولاً کشاورزان

از طرح‌هایی بیشتر حمایت و در آنها مشارکت می‌کنند که مرتبط با حرفه آنهاست.

۸- انواع مشارکت کشاورزان: به‌طور کلی، نوع همکاری کشاورزان در فعالیت‌های مشارکتی متفاوت است. این تفاوت در جدول ۴ آمده است. براساس این جدول، بیشترین میزان مشارکت کشاورزان مورد مطالعه به‌صورت ارائه خدمات کاری (۲۱/۷ درصد) و کمترین آن در تصمیم‌گیری‌های مربوط به فعالیت‌های مشارکتی بوده است. همچنین، براساس اطلاعات گردآوری‌شده، تنها ۷/۲ درصد از افراد مورد مطالعه به‌صورت مالی در فعالیت‌های مشارکتی همکاری داشته‌اند. البته بیشتر پاسخ‌گویان به بیش از یک مورد پاسخ داده‌اند، به‌گونه‌ای که مثلاً ۱۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان به‌صورت مالی و ارائه خدمات کاری در فعالیت‌های مشارکتی همکاری داشته‌اند؛ و تنها ۰/۷ درصد از آنها اظهار داشته‌اند که با تمام شکل‌های مورد نظر در فعالیت‌های مشارکتی همکاری کرده‌اند. بر این اساس، شیوه‌های مشارکت مورد سؤال و کدهای مربوط در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب نوع مشارکت

کد نوع مشارکت*	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	۹	۶/۷	۶/۷
۲	۱۰	۷/۴	۱۴/۱
۵	۳۲	۲۳/۷	۳۷/۸
۲، ۱	۱۴	۱۰/۴	۴۸/۱
۳، ۱	۱	۰/۷	۴۸/۹
۵، ۱	۵	۳/۷	۵۲/۶
۳، ۲	۴	۳/۰۰	۵۵/۶
۵، ۲	۲۴	۱۷/۸	۷۳/۳
۵، ۳	۱	۰/۷	۷۴/۱
۳، ۲، ۱	۱	۰/۷	۷۴/۸
۵، ۲، ۱	۱۰	۷/۴	۸۲/۲
۵، ۳، ۲	۱۱	۸/۱	۹۰/۴
۵، ۴، ۲	۱	۰/۷	۹۱/۱
۵، ۳، ۲، ۱	۹	۶/۷	۹۷/۸
۵، ۴، ۲، ۱	۱	۰/۷	۹۸/۵
۵، ۴، ۳، ۱	۱	۰/۷	۹۹/۳
۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱	۰/۷	۱۰۰
جمع	۱۳۵	۱۰۰	-

* ۱=تصمیم‌گیری؛ ۲=مالی؛ ۳=اهدای زمین؛ ۴=اعطای ساختمان؛ و ۵=ارائه خدمات

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل همبستگی بین متغیرها

در تحقیق حاضر، با توجه به ماهیت متغیرهای مستقل و وابسته که از انواع فاصله‌ای-رتبه‌ای، نسبی-رتبه‌ای و یا رتبه‌ای-رتبه‌ای است، از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شده که با توجه به یافته‌های تحقیق، نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵- نتایج همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (مشارکت نهادینه) با توجه به دیدگاه کشاورزان

P	r	مقیاس	متغیر مستقل
۰/۰۷۵	۰/۱۵۲	فاصله‌ای	سن
۰/۶۵۲	۰/۰۳۹	نسبی	میزان تحصیلات
۰/۰۲۶	۰/۱۹۱	فاصله‌ای	اندازه خانوار
۰/۴۳۳	۰/۰۶۸	نسبی	اراضی تحت مالکیت
۰/۱۱۰	۰/۱۳۸	فاصله‌ای	مقدار درآمد سالانه
۰/۰۷۰	۰/۱۵۵	رتبه‌ای	مشارکت فکری
۰/۰۱۳	۰/۱۸۵	رتبه‌ای	مشارکت اجرایی
۰/۰۱۴	۰/۲۱۱	رتبه‌ای	بهره‌مندی از منافع پروژه
۰/۰۱۹	۰/۱۹۹	رتبه‌ای	مشارکت در ارزشیابی
۰/۰۰۴	۰/۲۴۲	رتبه‌ای	مشارکت مالی (عمرانی)
۰/۰۴۱	۰/۱۷۵	رتبه‌ای	مشارکت مالی کشاورز

منبع: پرسشنامه

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل همچون سن، میزان تحصیلات، میزان اراضی تحت مالکیت، مقدار درآمد سالانه، و میزان مشارکت فکری کشاورزان و متغیر وابسته «میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در شکل‌های تولیدی-صنفی» رابطه معنی‌دار وجود ندارد. از سوی دیگر، بین اندازه خانوار و متغیر وابسته در

سطح پنج درصد رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد؛ به دیگر سخن، با افزایش اندازه خانوار کشاورزان، مشارکت نهادینه آنها نیز افزایش می‌یابد. افزون بر این، رابطه میزان مشارکت کشاورزان در مرحله اجرا با میزان نهادینه شدن مشارکت آنها در شکل‌های تولیدی- صنفی معنی دار است؛ به دیگر سخن، هر چه میزان مشارکت در مرحله اجرا بیشتر باشد، میزان نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در شکل‌های تولیدی- صنفی نیز بیشتر خواهد بود.

همچنین، بین میزان بهره‌مندی از منافع پروژه و میزان نهادینه شدن مشارکت کشاورزان در شکل‌های تولیدی- صنفی نیز در سطح پنج درصد رابطه معنی دار و مثبت وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هر چه میزان بهره‌مندی از منافع مشارکت در پروژه-ها بیشتر شود، میزان نهادینه شدن مشارکت نیز بیشتر می‌شود. در عین حال، براساس نتایج جدول ۵، بین میزان مشارکت کشاورزان در مرحله ارزشیابی پروژه‌ها و میزان نهادینه شدن مشارکت آنها نیز در سطح پنج درصد رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. همچنین، بین آمادگی کشاورزان برای مشارکت مالی در اجرای پروژه‌های عمرانی و نهادینه شدن مشارکت آنها در شکل‌های تولیدی- صنفی در سطح یک درصد رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، با افزایش آمادگی کشاورز برای مشارکت مالی در پروژه‌های عمرانی، میزان نهادینه شدن مشارکت نیز بالا می‌رود.

با مشاهده نتایج تحلیل همبستگی، از آنجا که هیچ‌گونه رابطه معنی دار بین متغیرهایی چون سن، میزان تحصیلات، میزان زمین تحت مالکیت، و مقدار درآمد سالانه وجود ندارد، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های مشارکتی فراگیر و جامع باشد، به گونه‌ای که تمامی اقشار، گروه‌ها و طبقات مختلف موجود در جامعه (اعم از زن و مرد، پیر و جوان، خرده‌مالک و عمده‌مالک، و کم‌درآمد و پردرآمد) را دربرگیرد. همچنین، برای هر کدام از گروه‌ها و طبقات جامعه، می‌توان به طراحی برنامه‌ای ویژه متناسب با نیازها و شرایط آنها پرداخت.

در عین حال، با توجه به آنکه بین مشارکت کشاورزان در سطوح مختلف مشارکت، در مراحل مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در اجرا و مشارکت در بهره‌مندی از

منافع پروژه و مشارکت در ارزشیابی پروژه‌ها رابطه معنی دار وجود دارد، پیشنهاد می‌شود که به منظور تحقق مشارکت پایدار کشاورزان، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که از حضور و مشارکت آنها در تمامی مراحل و سطوح مشارکت استفاده شود.

یادداشت‌ها

1. community development approach
2. involvement
3. contribution
4. organization
5. partnership
6. empowerment

منابع

- سرمد، زهره و همکاران (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.
- شجری، شاهرخ (۱۳۷۸)، «مشارکت کشاورزان در برنامه‌ریزی منطقه‌ای». *سنبله*. سال ۱۲، شماره ۱۰۹.
- فلسفی، پیمان (۱۳۷۷)، «استراتژی‌های ترویج در مدیریت توسعه پایدار محیط». *مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان*. تهران: وزارت جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- فلسفی، پیمان (۱۳۸۳)، *پروژه پایلوت جوادآباد از نگاه کارشناسان سازمان بهره‌وری آسیایی (APO)*، مروری بر نشست کاری تهران. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.
- فلسفی، پیمان و حسینی، سید محمود (۱۳۸۴)، «طراحی نظام دوسویه دانش و اطلاعات کشاورزی به منظور نهادینه کردن مشارکت کشاورزان در تشکل‌های تولیدی». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال ۱۳، شماره ۵۲.
- فلسفی، پیمان (۱۳۸۲)، *مدیریت جامع فعالیت‌های ترویجی در طرح پایلوت جوادآباد ورامین*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، دفتر مطالعات و تلفیق برنامه‌ها، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری.
- کرمی، عزت‌الله (۱۳۷۶)، «ترویج کشاورزی مسئله توسعه پایدار در ایران». *ماهنامه جهاد*. سال ۱۷، شماره‌های ۲۰۲ و ۲۰۳.
- گل محمدی، فرهود و شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۸)، «نقش ترویج و آموزش در جلب مشارکت روستاییان در احداث و نگهداری بوستان‌های روستایی استان اصفهان». *ماهنامه جهاد*. سال ۱۹، شماره‌های ۲۲۰ و ۲۲۱.

Caotri, H. (1986), *Participation in Development*. Paris: UNESCO.

- Castillo, G. T. (1994), "Keynote address, sustainable agriculture: in concept and in deed". *Journal of Asian Farm Systems Association*, No. 2, pp. 159-185.
- Dale, R. (2000), *Organizations and Development: Strategies, Structures and Processes*. New Delhi: Sage Publications/London: Thousand Oaks.
- FAO (1997), "Participation in practice". In: *The People's Participation Program*. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Gueye, B. (2001), "Whither participation? experiences from francophone, west Africa". *IIED, Dry Land Program*. Issue Paper, No. 87. The World Bank.
- Jose, P. D. (1994), "Participative management of development programs". *Journal of Rural Development, Hyderabad, India*. 13(4): 515-525.
- Mehta, S. R. (1984), *Rural Development Policies and Programs*. New Delhi: SAGE.
- Oldford, R. (2002), "Why institutionalization has failed?". *Teacher Librarian*. 29(8): 8.
- Park, J. and Seaton, R. A. (1996), "Integrative research and sustainable agriculture". *Agricultural Systems*. Vol. 50, No. 1, pp. 81-100.
- Pretty, J. (1995), *Regenerating Agriculture*. London: Earthscan.
- Reddy, N. (1987), "Participation to promote collective self-reliance of the rural poor". *Journal of Rural Development*. 6(3): 261-271.
- Santhanam, M. L. et al. (1984), "People's participation: some psychological dimensions". *Journal of Rural Development*, Vol. 3, No. 4: 249-329.
- Santhanam, M. L. et al. (1987), "Human and social factors in people's participation". *Journal of Rural Development*, Vol. 6, No. 4: 770-831.
- Warburton, D. (1998), *Community and Sustainable Development, Participation in the Future*. London: Earthscan.
- Wijayaratna, C. M. (1994), "Institutionalization of participatory management: sustainability of farmer organizations". *Journal of Asian Farm Systems Association*. Vol. 2, No.2, pp. 205-233.